

دوم تسالونیکیان 1/3-5

!ناجی ها نجات می دهند

خواهدمی نیرو و اتشنشانیمرکز ...

این نوشته را یک اداره اتشنشانی در یک روستا در نزدیکی شهر هامبورگ نوشته بود. اداره اتشنشانی باید به فکر نسل بعدی پرسنل خود باشد تا بتواند به قوت خود باقی به ماند. هر کس به خوبی این شغل را می شناسد... وقتی خانه کسی آتش گرفته و او در بالکن ایستاده و در پشت سر او شعله های آتش قرار دارد آن شخص فقط محتاج دستهای مجتاد دهنده یک ناجی می باشد. برادر و خواهرهای من وقتی صحبت از فعالیت در کلیسا و یا کار بشارتی می کنیم تقریباً شبیه به کار اتشنشان ها می باشد. جایی که آتشی نیست و ما در جای امن زندگی می کنیم کسی شاید معنی کار اتشنشانی را نفهمد. چیزهای بدی که ما در زندگی مان با آن سرکار داریم مثل مرگ و گناه و شیطان به خوبی خود را پنهان می کنند که امروزه ما آنها را نمی توانیم تشخیص بدهیم. خیلی ها نمی دانند برای چه ناجی نیاز دارند و از چه باید نجات پیدا کنند. در هر حال ناجی هایی بودند که خد یک بار نجات پیدا کرده اند. یکی از آنها زاول بود که به پولس تبدیل گردید. او میبایستی همیشه به همه آگاهی میداد و نامه می نوشت و خطبه می گفت تا همه بدانند که مبارزه آنها با جان و خون خود نیست و یا از بلایای طبیعی نجات پیدا کنند. ما در کلیسا با چیز دیگری سرو کار داریم. همه گی آگاه باشیم که اگر همین طور ادامه پیدا کند و خیلی از مسیحی ها بی ایمان بشوند و یا بچه های مان نداند که چه طور در این راه بمانند و یا سرمایه برای کارهای بشارتی و کلیسا وجود نداشته باشد. ما کوچکتر و بسته تر می شویم. از آن بدتر از جاهای دیگر جهان مثل عراق و یا سوریه می شنویم که آنها از آنجا رانده می شوند و یا به صلیب کشیده می شوند. بله اگر ما چشم و گوش خود را باز کنیم میبینیم که

زنگ اختصار برای مسیحی ها به صدا درآمده است کشتار آنها فراری دادند آنها ازدیاد بی ایمانهاو... ما نباید این قضایا را به حال خود گذاشته مثل افراد دیگر. ولی کسانی هستند که می خواهند باز در این راه کار کنند و جوانهای زیادی را به این امر تشویق نمایند که از هیچ کوششی و مسائل مالی صرف نظر نمی کنند. ولی برای این کار ما نیازی به یک فاکتورهای مشخصی مثل اتشنشان ها نیاز نداریم. اگر ما در لیست استخدام آنها نگاه کنیم افراد مورد نظر آنها بایستی سریع و ترس و بسیار استوار باشند. ولی ما در کلیسا نمی دانیم دقیقا موضوع از چه قرار است و چه کار باید بکنیم. ولی در هر یکشنبه انجیل به ما می گوید. جایی که عیسی از پترس یک کار غیر معقول می خواهد که انجام دهد. او بایستی بعد از یک شبی که ماهیگیری کرده در صبح آن دوباره به دریا رفته و تور خود را پهن کند. زمانی که بدن و عقل او اجازه این کار را به او نمی دادند. همچنین هیچ ادم عاقلی این کار را نمی کرد. ولی او با این کارش به ما فهماند که فقط کلام خدا مهم است که در سرلوحه ما باشد. عیسی در کلیسا به ما راه و روش را نشان می دهد. کلام عیسی نسبت به دستورالعمل هایی که ما آنها را از حفظ هستیم چیز دیگریست. کلام او خود زندگی است و در همه جا و مسائل تاثیر گذار می باشد. عیسی به ما در کلیسا یک وظیفه ای می دهد که برای آن نیروی آن را هم به ما هدیه می دهد. در کیسا نباید برنامه ها و افکار انسانی سرلوحه کارها باشد بلکه فقط کلام او و جاهایی ما کارهای بشارتی را انجام می دهیم که نیاز به آن باشد جایی که مردم از گناه و مرگ رنج می برند. پیام انجیل برای مقابله با این چیزها است. برای همین ما آرام نمی شینیم و کلام خدا را پیش می گیریم. ما می دانیم که در این راه کامل نیستیم و همیشه از طرف شیطان وسوسه می شویم. پولس زمانی که از فیلیپیان به تاسالونکیان مجبور به فرار بود همه این ها را می دانست که چه در انتظار اوست او در همه جه تحت فشار بود این مسئله برای همه ما و برای همیشه باقی خواهند ماند ما در کنار خود با افرادی آشنا می شویم که از اسلام آمده اند و

غسل می بینند. و به خانواده های خود این خبر را می دهند و حتی پلیس این را یک خیانت به کشور محاسبه می کند. در شرق کسی نمی داند مسیحی بودند به چه معنی

است در غرب هم خیلی ها ساکت می مانند. پولس و افرادی دیگر اینجا می دانستند که به عنوان یک گروه کوچک در دنیای امروزه چقدر سخت است. این افراد را خوب ادا می تواند درک بکند که چگونه در اینگونه مسائل غوطه ور می شوند و فقط منتظر آمدن عیسی هستند. برای پولس و همراهانش بدین گونه بود که او از خدا برای کسانی که او را دنبال می کردند تقاضای نجات می کرد او حتی زندگی خود را در این راه داد. و این مهم است که ما در این کار همیشه در راه درست قرار بگیریم. و برای آن ما نیازی به قدرت دولت و یا وسایل دیگر انسانی نداریم بلکه فقط کلام خدا. پولس روش خوبی برای ما می شناسد و آن هم دعا کردن است. او می گوید برای ما دعا کنید تا کلام خدا بتواند به آزادی در همه جا روانه شود. بخاطر اینکه این خداست که به امر می کند چه کارهای بشارتی انجام دهیم. پولس همیشه تذکر داده تا ما همه باهم دعا کنیم. او معتقد است که اینگونه تعقیری رخ خواهد داد. حالا شاید سوال کنیم چرا ما باید برای آنچه که خود خدا برای بشارت انجیل انجام دهد بایستی ما به او دعا کنیم. خدا نیازی به ما ندارد که به او بگوییم که این کارها را انجام دهد. ما بایستی به داستان پطرس در زمان ماهیگیری برگردیم. چرا عیسی پطرس را با توجه به خسته گی او دوباره او را به دریا می فرستد؟ چرا او همان لحظه ماهی ها را به او نداد برای ما واضح است که او می توانست این کار را بکند فقط او تصمیم داشت تا پطرس به باور او برسد و از او یک شاگرد قوی بسازد و با اینکار به همه بفهماند که با همه مشکلات در همه دنیا پیغام انجیل را برسانید. وقتی خدای ما از ما می خواهد که اینگونه دعا کنیم ملکوت تو بیاید ما را از وسوسه ها دور کن. ما این را می دانیم که ملکوت او بدون فعالیت های ما هم خواهد آمد. و در عیسی نیروی برای مقابله با همه بدی ها و وسایل جهت بشارت مسیحی پیدا می شود. و وقتی او می گوید ما بایستی دعا کنیم و

همه جا این پیغام را ابلاغ کنیم پس ان را انجام خواهیم داد. ما دعا می کنیم چه زمانی که موفق در کار مان باشیم و یا نه و اگر پیغام ما به جایی راهی پیدا نکند و یا محیط مناسب ان نباشد در هر حال ان را انجام خواهیم داد. در هر حال ما چگونه در این فعالیت ها قرار داریم ما افراد کلیسا در کنار همدیگر هستیم. و جایی که افراد جدیدی در بین ما است فعالیت های زیادی وجود دارد که ما بایستی از عهده انها بر بیاییم. خدا همیشه با اجتماع خود هست چیزی که ما بایستی ان را انجام دهیم. این است که پیرو او باشیم و بمانیم

.امین